



فهرست مطالب

۲ جملات خبریه استعمال شده در مقام انشا
۲ جهات بحث در مقام
۲ جهت اول: کیفیت استعمال جمله خبریه در مقام انشا
۲ نظریه آقای نائینی: استعمال حقیقی و عدم دخالت انشا و اخبار در وضع
۳ نقد نظریه مرحوم نائینی: تبادل بر دخالت انشا و اخبار در وضع
۳ نظریه محقق عراقی: استعمال حقیقی مشروط و افاده بعث بالملازمه
۳ نظریه صاحب کفایه: استعمال حقیقی به داعی انشا
۴ نظریه آقای خوبی و مرحوم امام: استعمال مجازی
۴ تقسیم استعمال مجازی به عقلی و لفظی
۴ تفسیر مشهور و آقای خوبی از مجاز لفظی
۵ تفسیر سکاکی و مرحوم امام از مجاز لفظی



بسم الله الرحمن الرحيم

جملات خبریه استعمال شده در مقام انشا

بحث در جملات خبریه‌ای است که در مقام انشا استعمال می‌شوند البته این جمله‌های انشائیه گاهی اثباتیه هستند و در مقام بعث و طلب به کار می‌روند مانند یعید که به معنای لیعد است و گاهی هم نافییه هستند و در مقام نهی و زجر به کار می‌روند مانند لایعید که به معنای لایعد می‌باشد. قبل از شروع بحث ذکر دو نکته لازم است. نکته اول این است هرچند مقصود ما از این بحث جملات خبریه در مقام امر است ولی مطالب و نظریاتی که ذکر می‌شود، بین جملات خبریه در مقام امر و بعث و جملات خبریه در مقام نهی و زجر مشترک است. نکته دوم هم این است که آنچه متداول است و کثیراً در روایات استعمال شده است، استعمال فعل مضارع در مقام امر است اما گاهی فعل ماضی هم در مقام انشا و بعث به کار رفته است و به ندرت هم جمله اسمیه در مقام انشا به کار می‌رود مثلاً شخصی می‌گوید ابنی قائم و منظورش این است که فرزندش باید بایستد.

جهات بحث در مقام

در مقام دو جهت بحث وجود.

جهت اول: کیفیت استعمال جمله خبریه در مقام انشا

جهت اول بحث در مقام، در کیفیت و چگونگی استعمال جمله خبریه در مقام انشا می‌باشد و طرح این سؤال هم به این خاطر است که طبق آنچه مشهور است، جمله خبریه و انشائیه دو مفهوم و مدلول و دو وضع جداگانه دارند و با توجه به وضع جداگانه آن‌ها، چگونه جمله خبریه که برای اخبار از یک نسبت خارجی و اعلام آن به مخاطب وضع شده است، در مقام انشا به کار می‌رود و افاده طلب و بعث می‌کند؟

نظریه آقای نائینی: استعمال حقیقی و عدم دخالت انشا و اخبار در وضع

مرحوم نائینی قائل‌اند که اخبار و انشا در موضوع له دخالت ندارند و خارج از موضوع له می‌باشند و به تعبیر ایشان انشا و اخبار از مدالیل سیاقیه هستند و از سیاق کلام، انشائی بودن یا اخباری بودن جمله فهمیده می‌شود و تفاوتی در



موضوع له جمله خبریه و انشائیه نیست و موضوع له هر دو یک چیز است و در محل بحث هم جمله خبریه در موضوع له خود به کاررفته است لذا استعمال جمله خبریه در مقام انشا به نحو حقیقی است نه مجازی و حالت ایقاعی و انشایی از سیاق کلام و از قرائن حالیه و مقالیه فهمیده می شود.

نقد نظریه مرحوم نائینی: تبادل بر دخالت انشا و اخبار در وضع

اصل این مطلب که انشاء و اخبار جزء وضع می باشند یا خیر، در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است و ما در اینجا به بررسی آن نمی پردازیم اما اجمالاً ما این مبنی را پذیرفتیم که انشائی و اخباری بودن جز موضوع له جمله های خبریه و انشائیه است و در وضع آن جمله ها دخالت دارند و این دخالت در وضع، به خاطر تبادری است که در تفاوت جمله خبریه و انشائیه وجود دارد.

نظریه محقق عراقی: استعمال حقیقی مشروط و افاده بعث بالملازمه

نظریه دوم در کیفیت استعمال جمله خبریه در مقام انشا، نظریه محقق عراقی است که در نهایت افکار مطرح کرده اند و آن این است که جمله خبری های که در مقام انشا به کاررفته است در معنای حقیقی خود اما به صورت مشروط استعمال شده است مثلاً در صحیح زراره که سؤال کننده می گوید من خون دماغ شدم و دستم و لباسم خونین شد بعد فراموش کردم بشویم و نماز خواندم و بعد از نماز به یاد آوردم، حضرت می فرماید یعید الصلاه در واقع حضرت خبر از اعاده نماز می دهد منتهی با این قید و شرط که من کان مقیداً بالشرع و مریداً لامثال اوامر الشرعیه و کان مطلع علی هذا الحکم یعید الصلوه یعنی کسی که مقید به ضوابط شرعی باشد و اراده بر امتثال امر مولا داشته باشد و آگاه به این حکم باشد این را اعاده می کند و این خبر هم واقعاً خبر درستی است و یعید در معنای حقیقی خود به کاررفته است منتهی با قید و شرط مذکور و این جمله خبریه بالملازمه بر بعث و اینکه شارع اراده اعاده نماز را کرده است، دلالت می کند و جمله خبریه هم به نحو حقیقی استعمال شده است.

نظریه صاحب کفایه: استعمال حقیقی به داعی انشا

نظریه سوم در کیفیت استعمال جمله خبریه در مقام انشا، نظریه صاحب کفایه است. ایشان می فرمایند جمله خبریه ای که در مقام انشاء استعمال شده است در همان وقوع نسبت و اعلام و اخبار که موضوع له جمله خبریه است استعمال شده است اما به داعی انشا طلب و بعث. صاحب کفایه همان گونه که در بحث صیغه امر موضوع له صیغه امر را



بعث و انشا طلب می‌دانست و دواعی و معانی مختلف مانند بعث حقیقی، تهدید، تنجیز را خارج از موضوع له می‌دانست در این بحث می‌فرماید موضوع له جمله خبریه همان اخبار اعتباری و نسبت وقوع فعل است منتهی این اخبار گاهی به داعی اخبار حقیقی است و گاهی به داعی بعث ولی در هر صورت موضوع له جمله خبریه یک چیز بیشتر نیست و در همه موارد جمله خبریه در موضوع له خود به‌کاررفته است و در مواردی هم که جمله خبریه در مقام انشا به‌کاررفته است در واقع اخبار است منتهی به داعی انشا طلب و بعث. پس طبق این نظریه فرق جمله خبریه‌ای که در مقام اخبار به‌کاررفته است و فرق جمله خبریه‌ای که در مقام انشا به‌کاررفته است به دواعی است. به تبع صاحب کفایه، جمع‌کنندگی از اعلام مانند محقق اصفهانی به این نظریه گرایش پیدا کرده‌اند.

نظریه آقای خوئی و مرحوم امام: استعمال مجازی

به خلاف سه نظریه قبل که استعمال جمله خبریه را در مقام انشا استعمال حقیقی می‌دانست با این تفاوت که نظریه اول انشا و اخبار را از موضوع له جمله خارج می‌دانست و افاده اخبار و انشا را از مدالیل سیاقیه می‌دانست، نظریه دوم استعمال را حقیقی و فاعل آن را مشروط می‌دانست و دلالت جمله خبریه را بر انشا بالملازمه می‌دانست و نظریه سوم موضوع استعمال را حقیقی اما به داعی انشا طلب و بعث می‌دانست و دواعی را خارج از موضوع له می‌دانست، مرحوم امام و آقای خوئی استعمال جمله خبریه در مقام انشا را استعمال مجازی و استعمال در غیر ما وضع له می‌دانند البته این نظریه را می‌توان به تبع تعریفی که از استعمال مجازی لفظی وجود دارد به دو نظریه تقسیم کرد.

تقسیم استعمال مجازی به عقلی و لفظی

در کتب بلاغت مانند مطول و مختصر مجاز بر دو قسم است. مجاز عقلی که اسناد الشیء الی غیر ما هو له است مانند جری المیزاب که اسناد جریان به میزاب و ناودان است و در واقع میزاب جریان پیدا نکرده است اما به تبع آب جریان را به میزاب هم نسبت می‌دهیم. مجاز لفظی که استعمال لفظ در غیر ما وضع له می‌باشد.

تفسیر مشهور و آقای خوئی از مجاز لفظی

تفسیر مشهور و آقای خوئی از مجاز لفظی این است که مجاز لفظی، انسلاخ لفظ از معنای حقیقی و استعمال آن در معنای غیر موضوع له به خاطر علاقه‌ای که در کتب معانی و بیان ذکر شده است، می‌باشد. آقای خوئی به تبع این تفسیر از مجاز لفظی، مجاز در مقام را تفسیر می‌کنند.



تفسیر سکاکی و مرحوم امام از مجاز لفظی

تفسیر سکاکی و مرحوم امام از مجاز لفظی این است که در مجاز لفظی لفظ در غیر ما وضع له به کار نمی‌رود بلکه در معنا تصرف می‌کنیم و آن را به صورت ادعایی به کار می‌بریم مثلاً وقتی به حضرت یوسف علیه‌السلام می‌گوییم ملک کریم این‌گونه نیست که ملک را در غیر ما وضع له به کار ببریم بلکه در همان معنای خودش به‌کاررفته است اما منتها در عالم واقع ادعا کرده‌ایم که حضرت یوسف ملک است نه اینکه ملک و فرشته را در غیر موضوع له آن به کار ببریم بلکه مصداق موضوع له را از مصداق حقیقی به مصداق ادعایی تعمیم می‌دهیم. بنا بر این تفسیر مجاز در واقع همان حقیقت است. مرحوم امام به تبع این تفسیر از مجاز لفظی مجاز در مقام را تفسیر می‌کنند.